

یادداشتی از علی ربیعی

## ۱۲ فروردین و مخالفانش

۱۲ فروردین ۵۸ تنها یک روز نیست؛ بلکه یک سنت، قاعده و یک نهاد است که ارزش‌های آن نباید فراموش شود. ۱۲ فروردین، نماد یک نظام «صندوق‌بنیاد» است…

صفحهٔ آخر

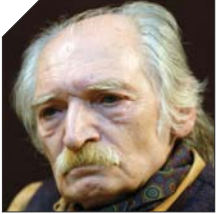
### سرمقاله

### «شرق» در قرن نو



♦ مهدی رحمانیان
♦ مدیرمسئول

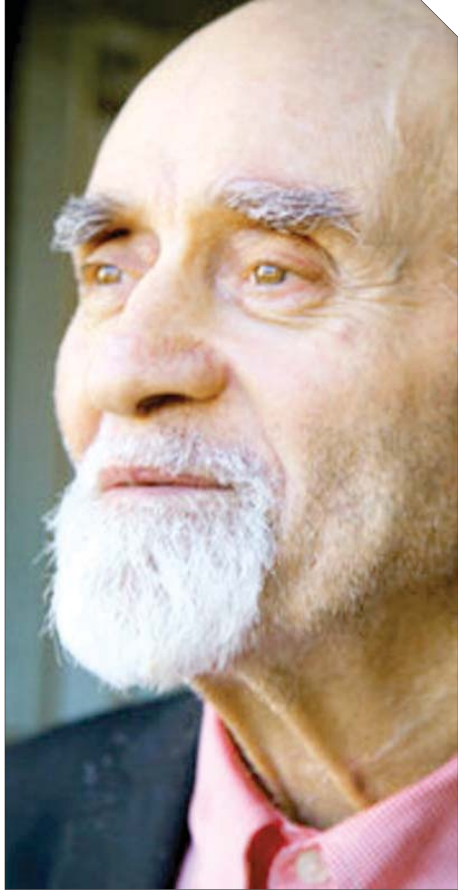
امروز چهاردهم فروردین سال ۱۴۰۱، نخستین شماره روزنامه «شرق» در سال و قرن نو منتشر می‌شود. درست ۱۸ سال و هفت ماه و ۱۲ روز از انتشار شماره نخست روزنامه «شرق» می‌گذرد. در این سال‌ها تلاشمان بر این بوده است تا با اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع و تحلیل حوادث و وقایع متعدد، گامی هرچند کوچک در راستای آگاهی‌بخشی و توسعه کشور و شکوفایی استعدادها و کارآمدی هم‌میهنان برداریم. البته ناگفته پیداست که در این سال‌ها با موانع فراوانی نیز دست‌وپنجه نرم کرده‌ایم؛ اولین و مهم‌ترین مشکل رسانه‌های مستقل، تأمین منابع مالی است که «شرق» نیز در این سال‌ها از این مسئله در امان نبود، اما همواره در تلاش بوده‌ایم تا از طریق فروش روزنامه و آگهی، هزینه‌ها را پوشش بدهیم ولی متأسفانه در طی انتشار نزدیک به ۱۹ سال، چهار بار با توقیف مواجه شدیم، درست آن هنگام که روزنامه جدید به شرایط پایدار می‌رسید، توقیف‌ها باعث می‌شد چند گام به عقب برویم و باز روز از نو و روزنامه‌داری از نو. این توقیف‌ها البته فقط پار مالی نداشت بلکه صدمات دیگری در پی داشت ازجمله پراکنده‌شدن تحریریبه که مهم‌ترین مؤلفه در عرصه رسانه‌داری است و هر بار ناچار بودیم با جمع‌آوری نیروهای باقی‌مانده و فراخوان برای نیروهای جدید، دوباره آغاز کنیم. اینک نیز تحریم و کرونا نیم‌نفسی بیش باقی نگذاشته است ولی ما به پشتوانه شما مخاطبان وفادار همچنان بر تلاش و همت خویش می‌افزاییم و امیدواریم، چراکه انسان بدون امید فاقد هویت است، امیدوار به بهبود شرایط، امیدوار به تداوم حمایت شما و امیدوار به تلاش همکاران و ارانه روزنامه‌ای مطلوب‌تر و تولیداتی قابل‌تر. به این منظور در سال جدید تغییراتی هم در شکل و گرافیک و هم در گروه‌های روزنامه انجام دادیم و امیدواریم این تغییرات بتواند مطابق سلیقه مخاطبان گرامی «شرق» باشد. در گذر این سال‌ها و در آموشد همکاران، تعداد اندکی از ابتدای انتشار تاکنون همراه روزنامه بوده‌اند؛ یکی از این همراهان همیشگی، احمد غلامی است که یک دوره مدیر گروه ادب و هنر و دو دوره هم سردبیری را تجربه کرده است و در دوره جدید با پذیرش نقشی جدید در مجموعه چندرسانه‌ای «شرق» جایش را به نیرویی جوان‌تر و البته باتجربه که از همکاران اولیه «شرق» بوده است، یعنی علی دهقان می‌دهد تا با انگیزه و انرژی جوانی خود بتواند اهداف پیش‌بینی‌شده روزنامه را در دوره جدید محقق کند. همان‌طور که گفتیم مسیر سختی را پشت‌سر گذاشته‌ایم که پیر از فراز و فرود و ملو از شکست‌ها و پیروزی‌ها بوده، اما به‌یقین در همه این دوران و در کوران مشکلات ساختاری و تحمیلی، همواره عشق به میهن و دلدادگی به هم‌میهنان، بزرگ‌ترین پشتوانه «شرق» بوده است که بخواییم و بکوشیم به‌اندازه توان و امکان‌مان به ایرانی سربلند بیندیشیم و برای تداوم آن، سختی‌ها را به جان بخریم. اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که قرنی نو مدین گرفته و نخستین سال آن نیز دروازه‌های زندگی را به روی ما گشوده است. سال‌های پیش‌رو و قرنی که در مقابل ما آینده را رقم می‌زند، قطعاً آینه تمام‌قد کردار ما خواهد بود. بی‌شک راه رفته، تکیه‌گاه نسل آینده و فرزندان ایران را می‌سازد که می‌خواهند امورات فردای میهن را در اختیار بگیرند. گذشته‌ها با همه ناخوشی‌ها و خوشی‌ها می‌توانند آموزگار بزرگی برای ساختن لحظه‌ها و تلاش برای احیای امیدها در آینده باشند. این نگاه مبنای حرکت ما در سال جدید و ساختن پایگاه منسجم فکری (بر همین اساس) برای سال‌های آینده خواهد بود. به‌وضوح می‌گوییم از این‌پس بیش از هر زمان دیگری به ایران و توسعه ایران خواهیم اندیشید. قانون و قانون‌مداری تکیه‌گاه و مورد تأکید ما خواهد بود. به سهیم خود در ابتدای قرن جدید می‌خواهیم چشم‌اندازی از دگرگونه‌بودن در مبنای، مفاهیم، ایده‌های سازمانی و بسته‌های ارتباطی–رسانه‌ای را برای ارتباطی بهینه‌تر با مخاطبان تجربه کنیم تا کوله‌باری مولد برای توسعه بر جای بماند. روزنامه «شرق» در دو دهه گذشته همواره در این مسیر گام برداشته است. در این راه نیازمند همراهی و همسایری مهم کسانی هستیم که دغدغه توسعه ایران را دارند. سال جدید، سال‌های آینده و قرن پیش‌رو باید محمل پیشرفت تاریخی و ادبی ایران‌مان باشد؛ برای همین دست یاری به‌سوی شما دراز می‌کنیم تا به این هدف نائل شویم. «شرق»، با نما و درونی زلال‌تر، از این‌پس میزبانی خواهد بود که نامش را وقف توسعه کشور خواهد کرد. ایران فردا نیاز به همراهی، همیاری و هژمونی گفتمان توسعه‌دار دارد. فصل منیت‌های گروهی قطعاً گذشته است و آبادانی در دنیای امروز بیشتر از هر زمان دیگری تابعی از شایستگی و درک مقتضیات توسعه خواهد بود. مسیری که طی می‌کنیم باید صلاحیت پیشرفت را به فرزندان فردا برساند. این عبور و عزت توسعه‌محور بدون صدای رسا، مستقل و کارآمد رسانه‌ها امکان‌پذیر نخواهد شد. امید که پشتوانه ما برای این چشم‌انداز بزرگ باشد.



**یادداشتی از محمود دولت‌آبادی به یاد رضابrahنی**

# ز مادر همه مرگ را زاده‌ایم

صفحه ۱۱



**شرق**؛ قرن نو با غیاب چهره‌های فرهنگی ایران نیز همراه شد. بیراه نیست اگر بگوییم مرگ دکت‌ رضا برahنی، نویسنده، شاعر، منتقد ادبی و روشنفکر چپ‌گرای مبارز ایرانی، فرسنگ‌ها دور از وطن و در احوالی که سال‌های اخیرش به نیسان و فراموشی گذشت، بی‌شک فقدانی تلخ برای ادبیات و فرهنگ و روشنفکری ما بود. برahنی به‌اغازه آثار پرشمارش در زمینه‌های مختلف ادبیات و قصه‌نویسی و تئوری‌پردازی ادبی و رمان تا مقالات تندوتیز سیاسی و اجتماعی و مبارزات سیاسی‌اش پیش از انقلاب و یافشاری بر آزادی قلم همواره از چهره‌های ماندگار و نامی فرهنگ ما خواهد ماند. محمود دولت‌آبادی، نویسنده پرآوازه ایرانی که عمرش دراز یاد، در یادداشتی خواندنی از شخصیت و منش برahنی نوشته است که به‌گواه نزدیکانش روحی سرکش داشت و منتقدی سرسخت بود و به‌تعبیر دولت‌آبادی «بسیار متناقض و طبعاً بی‌قرار» بود و او برahنی را ابتدا با شعرش شناخته و می‌نویسد رضا برahنی «در آغاز شاعر بود، سپس منتقد و چنان منتقدی که نیش و نشانش به بزرگان ادب فارسی هم رسید، معاصران که جای خود، همزمان «روزگار دوزخی ایاز» را منتشر کرد که رمان متفاوتی بود. پس نه فقط منتقد و اهل نظر در حوزه شعر بلکه نقد و نظر در ادبیات داستانی هم، و ادامه آن تا نقطه‌ای که نوشت «بحران رهبری در نقد ادبی» و نظرش آن بود که لازم است نقد ادبی از دیدگاه‌های دکت‌ر برahنی پیروی کند. شاید حق با وی بود…».

فرهنگ ایران نیز همچنین چهره دیگری از جامعه‌شناسان مطرح خود، علی رضاقلی را از دست داد



یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ • ۱ رمضان ۱۴۴۳ • ۳ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۴۷ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**نگاهی به دوربرگردان وین و ابهامی که احیای برجام را دربر گرفته است**



رهبر معظم انقلاب اسلامی:

### تنها راه دستیابی به پیشرفت عادلانه تقویت تولید دانش بنیان است

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی زنده و تلویزیونی در نخستین روز از سال ۱۴۰۱ ضمن تبریک عید نوروز و آغاز قرن جدید، در تبیین شعار سال جدید، تنها راه دستیابی…

همین صفحه

**در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارشی از پشت‌پرده حوادث مشهد، ترویج خشونت در بین ایرانی‌ها، شورای ششم بدون چمران و یادداشت‌هایی از احسان هوشمند، علی موسوی خلخالی، محمدعلی بهمنی قاجار و علی دینی ترکمانی**

## هر ۴۰ دقیقه یک ایرانی در جاده‌ها جان باخت مرگ‌بارتر از جنگ!

صفحه ۶

**نگاهی به ضرورت‌های پیشرفت در سال جاری**

## کارآمدی را مطالبه کنیم

صفحه ۶

**گزارش عیدانه «شرق» از سبک زندگی نمایندگان اصولگرای مجلس یازدهم**

## در «اندرونی» بهارستان چه می‌گذرد!

صفحه ۶

**ابراز همدردی به مناسبت درگذشت تعدادی از روحانیون**

صفحه ۴

### یادداشت روزنامه‌نگاران

### عیب از خود ماست



♦ **سیروس علی‌نژاد**

قضیه رفتن زنان به ورزشگاه‌ها و تماشای فوتبال بار دیگر مسئله شده است. مسئولان از یک سو به زنان بلیت می‌فروشند و از سوی دیگر هنگام ورود، آنان را راه نمی‌دهند و در چشم زنان اسپری فلفل می‌پاشند که نتوانند از بلیت خریداری‌شده استفاده کنند!

پس از اتفاقاتی از این دست هم معمولاً سروصدا راه می‌افتد که مسئولان چنین و چنان کردند و زنان را بر ورزشگاه راه ندادند و اسپری زنده و به این ترتیب خوراک تبلیغات دشمنان هم فراهم می‌شود و… اما من خیال می‌کنم مسئولان در این زمینه‌ها تقصیر زیادی ندارند، تقصیر از خود ماست! گیرم حرف بعضی که می‌گویند مسئولان ما همه چیز را سیاسی می‌کنند در حالی که ورزش امر سیاسی نیست، درست باشد. گیرم حرف بعضی که می‌گویند مسئولان ما در هزار سال پیش زندگی می‌کنند درست باشد و آنان مقتضیات زمانه را درک نکنند و برابری زنان و مردان را در همه امور برنتابند. اما فوتبالیست‌های ما و ورزش‌نویسان ما و تماشاگران ما که برای یک بازی فوتبال سر و دست می‌شکنند چه؟ آنها چطور؟ آنها هم نمی‌خواهند زنان ما در ورزشگاه‌ها حضور یابند یا می‌خواهند؟ آنها هم به برابری اجتماعی زن و مرد در زمانه ما قائل نیستند یا هستند؟ آیا تماشاگران ما که برای تماشای بازی دسته هفتم و هشتم هر شهری لهنه می‌زنند، موافق تبعیض بین زنان و مردان در تماشای فوتبال هستند یا مخالف آن؟ فوتبالیست‌های ما چطور؟ آنها هم نمی‌خواهند برعکس فوتبالیست‌های تمام دنیا در ورزشگاهی بازی کنند که زنان هم در آنجا حضور داشته باشند؟ روزنامه‌نگاران ما، آنها که کارشان نوشتن مطالب ورزشی است چه؟ آنها چه فکر می‌کنند و به وظیفه‌شان در این زمینه عمل می‌کنند یا نه؟ اگر تماشاگران فوتبال که تعدادشان هم تا بخواهی زیاد است، بخوانند با زن و بچه و خواهر و مادر خود به پارک یا سینما بروند و مسئولان پارک یا سینما به آنها بگویند خواهر و مادرتان نمی‌توانند همراه شما وارد شوند، آیا آنان خواهر و مادرشان را دم پارک یا جلوسینما به امان خدا رها می‌کنند و تنها وارد پارک یا سینما می‌شوند یا اینکه دسته جمعی پارک و سینما را رها می‌کنند و به خانه برمی‌گردند؟ حالا پارک که پولی نیست، ولی سینماداران اگر ببینند کسی به خاطر تبعیض میان زن و مرد به سینما نمی‌رود، از بیم ورشکستگی مجبور نمی‌شوند چنین تبعیضی را از میان بردارند؟

ورزشکاری و ورزش‌دوستی تنها همین پرورش تن و فریاد و هلهله‌کردن در ورزشگاه نیست. مهم‌تر از پرورش تن، پرورش جان است. این جوانان دوستدار فوتبال ما فقط برای خواباندن هیجانات شخصی وارد ورزشگاه می‌شوند؟ یا چیز عمده‌تری هم برای آنان مطرح است؟ آنان گذشته از هیجانات زودگذر، از پرورش جان چیزی در نمی‌یابند؟ از روحیه ورزشکاری که کار اصلی اش گسترش شیوه جوانمردی و نیرو و راستی و درستی و دفاع از حق خود و دیگران است، هیچ دریافتی ندارند؟ اگر آنها بخوانند از حقوق خواهران و مادران خود دفاع کنند، بهتر نیست که وارد ورزشگاه نشوند مگر زمانی که مادران و خواهران‌شان هم حق داشته باشند وارد ورزشگاه شوند؟

ادامه در صفحه ۸



**یادداشتی از احمد میدری به یاد علی رضاقلی**

# پروژه ناتمام رضاقلی

صفحه آخر

که با دو کتاب «جامعه‌شناسی خودکامی» و «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» شناخته شد و در میان عامه مردم و کتاب‌خوانان جایگاهی پیدا کرد. خاصیت این دو کتاب پیوند عامه دانشگاهیان و اهل کتاب با مسائل سیاسی ایران بود که بنا داشت راه‌های برون‌رقتی برای عقب‌ماندگی‌ها پیشنهاد کند. رضاقلی، دانش‌آموخته رشته جامعه‌شناسی سیاسی در پاریس بود و در مدرسه مطالعات عالی علوم سیاسی درس خوانده بود، اما تجربه حضور در حسینیه ارشاد و سخنرانی‌های پرسروصدای آن روزگار در آنجا، او را با حلقه دانشجویان و جامعه سیاسی ایران پیوند داد و به چهره‌ای پرتلاش برای انقلاب بدل کرد. رضاقلی تجربه حضور در دستگاه‌های اجرایی کشور و کار دولتی نیز داشت؛ از فرمانداری پاوه تا مدیریت در یکی از بخش‌های وزارت نفت و کار در وزارت پست، تلگراف و تلفن که تا زمان بازننشستگی در آنجا ماند. این تجربیات همراه با دوره‌ای کامیون‌داری و راندگی و ایران‌گردی به‌اضافه تخصص او در جامعه‌شناسی و درگیری با امور اداری کشور و مطالعات بین‌رشته‌ای از او چهره‌ای متفاوت ساخته بود که به‌قول احمد میدری که در غیاب او یادداشتی در «شرق» نوشته است، «از محصولات سری‌دوزی خدا نبود». احمد میدری، رضاقلی را «پژوهشگر وطن‌پرست خستگی‌ناپذیر جامعه‌شناس نهادگرای مسلط بر شاهنامه و متون ادبی و تاریخ ایران» می‌خواند که معتقد بود در مطالعه ادوار مختلف ایران علت عدم توسعه ایران را نامثی می‌دانست.

**رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی زنده و تلویزیونی به مناسبت سال نو:**

## تنها راه دستیابی به پیشرفت عادلانه تقویت تولید دانش بنیان است

صفحه ۱۱

**بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:** رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی زنده و تلویزیونی در نخستین روز از سال ۱۴۰۱ ضمن تبریک عید نوروز و آغاز قرن جدید، در تبیین شعار سال جدید، تنها راه دستیابی به پیشرفت عادلانه و حل مشکل فقر را حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان خواندند و در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به مسائل جهانی در حال وقوع در افغانستان، اوکراین وینن تأکید کردند: همه این حوادث نشان‌دهنده حقانیت و انتخاب درست ملت ایران در مبارزه با استکبار است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آمیختگی عید ملی نوروز با ذکر نیایش و دعا و معنویت را یکی از ویژگی‌های نوروز ایرانی برشمردند و گفتند: بهار، مظهر امید و پیام‌آور طراوت و رویش است که امسال به‌دلیل همراهی با نیمه شعبان که روز تولد امید بزرگ تاریخ و بشریت است، این امید مضاعف شده است. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه امید، منشا همه حرکت‌ها و پیشرفت‌هاست، گفتند: کسانی که برای مردم سخن می‌گویند و یا مطلب می‌نویسند و یا پیام می‌فرستند، هر چه می‌توانند در مردم امید ایجاد کنند زیرا امید عامل مهم پیشرفت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه خداوند متعال زمینه‌های امید را برای ملت ایران فراهم کرده است، خاطر‌نشان کردند: بگذارید دشمنان از امیدواری ملت ایران به خشم بیایند. ایشان بعد از این مقدمه وارد بحث اصلی خود شدند و با اشاره به انتخاب عناوین اقتصادی در یک دهه گذشته و همچنین شعار سال ۱۴۰۱ گفتند: علت اینکه برای امسال نیز عنوان و شعار اقتصادی انتخاب شد، اهمیت محوری مسئله

ادامه در صفحه ۲